

روایت سینمایی «بازی‌دراز»

اختلافی با افخمی بر سر «فرزند صبح» ندارم

محمدرضا شرف‌الدین تهیه‌کننده سینما که به تازگی برای فیلم سینمایی «بازی دراز» به کارگردانی یاسمن نصرتی پروانه ساخت دریافت کرده است، در گفتگو با خبرنگار مهر درباره این فیلم بیان کرد: ما امیدواریم بتوانیم این فیلم را اواسط تابستان فیلمبرداری کنیم ولی هنوز اقدامی برای جذب بازیگر نکرده‌ایم. با توجه به اینکه قرار است «بازی دراز» در کرمانشاه فیلمبرداری شود در نظر داریم از افراد محلی بیشتر استفاده کنیم و بازیگرانی داشته باشیم که به زبان کردی مسلط باشند.

وی افزود: قصه «بازی دراز» مرتبط با منطقه کرمانشاه و درباره اتفاقات اول جنگ است. ضمن اینکه در نظر داریم فیلم «مقاومت» درباره ارکانش هم باید بگویم که فعلاً نمایش آن‌این یکی از گزینه‌های جدی برای همه فیلم‌هاست، سینما به این صورت پیش می‌رود و کاری نمی‌شود کرد بنابراین احتمالش خیلی زیاد است که «بازی دراز» را در بستر وادی‌ها به نمایش بگذاریم.

شرف‌الدین در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره سرانجام پروژه پرحاشیه «فرزند صبح» به کارگردانی بهروز افخمی بیان کرد: من تمام حقوق فیلم را برای ادامه کار واگذار کرده‌ام چون بعد از مدت زیادی که گذشت، دیگر نمی‌توانستم کار کنم و واقعا خسته شده بودم. فیلم شرایط خاصی در تولید و ارکان داشت و سرمایه‌گذار خودش باید تکلیف «فرزند صبح» را مشخص می‌کرد. این بود که اختیار چنین تصمیماتی را به طور کلی به سرمایه‌گذار واگذار کردم.

این تهیه‌کننده ادامه داد: با این وجود من تهیه‌کننده قسمت تولید «فرزند صبح» هستم. ممکن است تهیه‌کننده نمایش آن فرد دیگری باشد. نسخه اولیه تغییر کرد. من آن زمان به دلیل شرایط حقوقی و قراردادی که داشتم مجبور بودم یک نسخه آماده کنم و تحویل جشنواره بدهم که البته در ادامه آقای افخمی خودش دست به تدوین زد و نسخه‌ای دیگر تهیه کرد که من آن نسخه را هنوز ندیده‌ام اماطمینان دارم که نسخه بهتری است.

وی افزود: من همان نسخه‌ای را قبول دارم که آقای افخمی تدارک دیده است، چون این جزو حقوق لایف‌بک کارگردان است که نسخه نمایش فیلم را خودش قبول داشته باشد. این برای من هم سندی‌دتر است که نسخه‌ای به نمایش دربیاید که امضای کارگردان رویش باشد. در آن زمان با توجه به اینکه بهروز افخمی در ایران نبود ما در آن شرایط خاصی مجبور بودیم که به وظیفه حقوقی خدومان عمل کنیم. من قراردادی داشتم و باید فیلم را تحویل می‌دادم.

کارگردان که نباید تحویل می‌داد، بالاخره کارگردان متعهد به تهیه‌کننده است نه سرمایه‌گذار و این تهیه‌کننده است که متعهد به سرمایه‌گذار است از همین رو من طبق قراردادم باید نسخه‌ای از فیلم را در فرصت مشخصی تحویل می‌دادم که آن فرصت تمام شده بود اما فیلم آماده نبود. من بر اساس آن سیناپسی که در دست داشتم فیلم را تدوین کردم و سلیقه شخصی خودم را اعمال کردم. تاکید می‌کنم که در حال حاضر نسخه آقای افخمی حرفه‌ای و طبق روال سینما به نتیجه رسیده است. من هم اختلافی با آقای افخمی ندارم.

شرف‌الدین در پایان اظهار کرد: امام آمد که به ما یاد بدهد تنها خودمان را بنبینیم و نفسمان را کنار بگذاریم، از همین رو من به دنبال اسم خودم در تیتراژ نیستم. حتی اگر اسم پای فیلم نباشد یک کلمه هم اعتراض نمی‌کنم. بالاخره من تعهدی داشتم که آن را در حد توانم انجام دادم و حالا فرقی نمی‌کند اسمم در میان عوامل باشد یا نباشد.

سرگذشت پرفراز و نشیب فعالیت‌های موسیقایی در کشورمان همواره تحت‌تأثیر خط مشی سیاسی و فرهنگی دولت‌های مختلف دچار تغییرات زیادی شده و می‌شود که در چارچوب گزارش‌ها، مقالات و نوشتارهای مختلف پژوهشی-رسانه‌ای مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

در مقاطعی اما برخی از رویدادها و اتفاقات در تقویم تحولات موسیقی ایران به ثبت رسیده‌اند که بنابین و طراحان‌شان با اطمینان خاطر و انرژی فراوان درباره آن‌ها سخن می‌گفتند، گویی در مدت زمانی کوتاه قرار است تمامی اتفاقات و رویدادها مرتبط با حوزه موسیقی، تحت تأثیر آن فعالیت قرار بگیرد اما چنین نشد.

«گمشده‌های موسیقی ایران» عنوان سلسله گزارش‌هایی است که گروه هنر خبرگزاری مهر در قالب آن به مرور همین رویدادها، تحولات و وعده‌های فراموش‌شده می‌پردازد. عمده تمرکز و هدف تدوین این مجموعه گزارش البته ضمن بازخوانی تحولات، ترویج «تمرکز» و «فکر دوباره» در مدبران و سیاست‌سازان حوزه موسیقی کشور برای تأمل روی موضوعاتی است که بهتر می‌بود پیش از رسانه‌ای شدن یا برگزاری مراسم افتتاحیه و ماجراهایی از این دست، برنامه‌ریزی واقع‌بینانه‌تری درباره دامنه اثرگذاری آن‌ها صورت می‌گرفت تا در نیمه راه نماند.

در چهارمین گام از سلسله گزارش‌های «گمشده‌های موسیقی ایران» به سراغ جایزه موسیقایی «ققنوس» از دستاوردهای نیمه تمام دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفته‌ایم که نطفه پیدایش آن از سال ۱۳۹۳ توسط یکی از مشاوران معاونت هنری وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کلید

افتتاحیه و مدالایی نا معلوم همانند تعدادی دیگر از پروژه‌های ناتمام دیگر به آرشو خاک خورده رویدادها و فعالیت‌هایی در وزارت ارشاد پیوست.

این جایزه قطعاً یکی از گمشدگان

موسیقی ایران در سال‌های اخیر است که آمده بود جای خالی رویدادهایی چون «جشنواره موسیقی مقاومت» را در قالبی کاربردی و همراه با معرفی بیشتر فعالیت هنرمندان در عرصه ساخت و تولید نمانگن را پر کند. کما اینکه از هلقه دوره اول افرادی که در آن به عنوان برگزیده معرفی شدند، شرایطی از داوری و قضاوت را پیش روی کارشناسان و مخاطبان موسیقی قرار داد که گویا ماجرا جدی‌تر از این حرفاست و باید منتظر رویدادی بود که می‌تواند حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد.

آنچه می‌خوانید روایت، بازنمایی و انعکاس

برخی از رویدادهای رسمی منتشر شده در رسانه‌ها پیرامون جایزه موسیقایی «ققنوس» است که نقطه آغازین آن حدود شش سال

پیش با ابتکار جلال مشفق هنرمند درجه یک علی مرادخانی معاون هنری وقت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و از مردان پرنفوذ این مجموعه کلید خورد، اما به دلایلی نامعلوم که به احتمال زیاد بتوانه کمیود بوجه می‌تواند مهم‌ترین دلیل توقف آن از زبان مدیران برگزاری اش باشد، در همان دوره اول به سرنوشتی دچار شد که اکنون حتی کمتر هنرمندی می‌تواند نام آن را در میان چندین رویداد و جشنواره به همین نام به خاطر آورد. جشنواره یا جایزهای که در زمان برگزاری خود با اما و اگرهای بسیاری رو به رو شده و موجب ایجاد سوالاتی شد که همچنان در برگزیده نه‌ایمات زیادی است.

قصه یک جایزه که مرداد ۸۳ با مصاحبه آقای آهنگساز خورده

مرداد ماه سال ۱۳۹۳ بود که بهروز صفاریان آهنگساز و تنظیم‌کننده صاحب نام موسیقی کشورمان که در آن زمان رابطه بسیار نزدیکی با هلقه مدیریتی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مشاوران او از جمله جلال مشفق داشت از تلاش برای راه اندازی اولین جایزه موسیقایی «ققنوس» توسط بخش خصوصی خبر داد.

خود می‌گوید در گفتگو با خبرنگار مهر بود که ضمن

قصه «ققنوس» چرا ناتمام ماند؟

سرانجام عجیب یک جایزه موسیقایی



گروه پالت هم از جمله هنرمندان و گروه‌های شاخصی بودند که آثارشان به مرحله نهایی انتخاب جایزه راه یافته بود

بعد از انتشار فراخوان اولین جایزه «ققنوس» بود که خیلی‌ها به جدی بودن ماجرا ایمان آوردند و تصور کردند که این بار من حرکت جدیدی در عرصه موسیقی پاپ کشورمان است و می‌تواند سراغاز خوبی برای ارتقای سطح کیفی آثار این حوزه باشد. قرار است با انتشار یک فراخوان سراسری از تمامی علاقه‌مندان موسیقی دعوت کنیم تا نمانگن‌ها و کلیپ‌های تصویری خود برگرفته از ملودی‌های مجاز تولید شده در موسیقی پاپ را تولید و به دبیرخانه فستیوال ارسال کنند که بعد از طی این مرحله تمامی آثار توسط هنرمندان و کارشناسان صاحب‌نام موسیقی و سینما بررسی و در نهایت آثار برگزیده معرفی می‌شوند. ۱۰۰۰ با توجه به برنامه‌ریزی‌هایی که انجام گرفته مهر ماه امسال تصمیم داریم اگر مشکلی پیش نیاید این رویداد موسیقایی را بر گزار کنیم و تصور می‌کنم بعد از برگزاری اولین جشنواره موسیقی پاپ که سال ۷۶ برگزار شد این نتایج‌ترین رویداد موسیقایی پاپ باشد که با حضور یک تیم حرفه‌ای از اهالی موسیقی برگزار می‌شود، البته بخش خصوصی برگزارکننده جایزه موسیقایی ققنوس خواهد بود.

فراخوان اول جایزه ققنوس منتشر شد

تقریباً ۱۷ روز بعد از این اظهارات بهروز صفاریان بود که در روز ۲۹ مرداد ۱۳۹۳ دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که سکان مدیریت آن در دستان پیروز ارجمند از مدیران و آهنگسازان باسابقه موسیقی کشورمان بود، با هدف آنچه از آن «تقدیر از نمانگن‌های موسیقایی» عنوان شده بود، فراخوان نخستین جایزه «ققنوس» را منتشر کرد.

هنرمندان عرصه موسیقی و نمانگن

بر اساس مطالب مندرج در این فراخوان می‌توانستند با موضوع دفاع مقدس و مقاومت

ملی، صلح جهانی، عرفان و معنویت، مسائل

اجتماعی، عاشقانه‌های اصیل و هر نوع روایت از سایر موضوعات که در جهت ارزش‌های متعالی بشر قرار داشته باشد، آفریده‌های هنری خویش را به دبیرخانه‌ی جایزه ققنوس ارسال کنند.

بر اساس نظر هیأت داوران هم جایز به بهترین شاعر، آهنگساز، تنظیم کننده، خواننده، کارگردان، تدوینگر، جلوه‌های ویژه، فیلمبردار و تهیه کننده تعلق می‌گیرد. این ماجرا نیز در شرایطی طراحی می‌شد که جایزه ققنوس به نمانگنی اهدا می‌شد که از بالاترین ظرفیت‌های موجود در عرصه موسیقی، ادبیات و تصویر استفاده کرده و در انتقال مفهوم به وحدت هنرمندانه‌ای رسیده باشد.

در اولین دوره برگزاری جایزه «ققنوس» علی معلم مدیر مسئول ماهنامه «دنیای تصویر»، حسین مهدویان مستندساز، فرشاد فرشته حکمت کارگردان و مدرس سینما، ستار اورکی آهنگساز و علی اوجی تهیه کننده موسیقی مرحله اول ارزیابی و انتخاب آثار رسیده به جشنواره را به عهده داشتند. این در حالی است که محمد اصفهانی، محسن چاوشی، مهدی یغمایی، رضا صادقی، احسان خواجه امیری، محسن شریفیان، حامد زمانی، سیروان خسروی، رضا یزدانی، بنیامین بهادری، اشکان خطیبی، سعید مدرس، بهرام رادان،

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمائزاده‌شمالی

پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک:

info@emtiazdaily.ir

تلفن: ۶۶۵۹۱۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – **آگهی شهرستان ها:** ۶۶۶۵۰۰۹۹

لینوگرافی و چاپ: ریحان

W W W . E M T I A Z D A I L Y . I R

یک فنبان جای داغ

وضعیت اجرای «روزهای رادیو» مشخص نیست

تلاش برای از یاد نرفتن ناتار

محمد رحمانیان نویسنده و کارگردان ناتار درباره وضعیت اجرای عمومی نمایش «روزهای رادیو» که اسفند ماه به دلیل بحران کرونا متوقف شده بود، به خبرنگار مهر گفت: قرار بود اداره کل هنرهای نمایشی راه کاری برای اجرای گروه‌هایی که اجرایشان متوقف شده بود بیندیشد. در جریان هشتم قرار بر این بود که برای اجرای نمایش‌های «قهوه قهقری» و «روزهای رادیو» راه حل‌هایی ارائه شود اما متأسفانه تا الان هیچ حمایت و شرایط اجرایی برای ما مشخص نشده است.

وی ادامه داد: رغم غلی اینکه محمد دشت‌گلی مدیر پردیس تئاتر شهرزاد برای اجرای «روزهای رادیو» پیش‌قدم شد و تلاش کرد که این نمایش اجرا شود اما متأسفانه به دلیل عدم همکاری اداره کل هنرهای نمایشی با وجودی که نمایش آماده است، هنوز اتفاقی برای اجرای نمایش نیفتاده که البته نمی‌دانم بعداً قرار است چه در انتظار کار باشد.

این کارگردان تئاتر درباره نحوه حمایتی که از اداره کل هنرهای نمایشی انتظار دارد، توضیح داد: منظور من از حمایت همان حمایتی است که وزارت ارشاد و سازمان سینمایی از فیلم‌های در حال اکران می‌کند؛ حمایت‌هایی نظیر تبلیغات و پرداخت کمک هزینه برای اکران و هر چیزی که باعث می‌شود مردم دوباره این اشتیاق را پیدا کنند که به دیدن فیلم‌های سینمایی بنشینند. همین اتفاق باید برای تئاتر هم رخ دهد. چون تا امروز هیچ حمایتی صورت نگرفته است و از طرف دیگر با اوج گرفتن دوباره بیماری کرونا و اینکه اعلام شده از این هفته همه باید در مکان‌های سرپوشیده با ماسک حضور داشته باشند، نمی‌دانم چه اتفاقی در انتظار ماست چون شاید تماشاگران بتوانند برای یکی دو ساعت ماسک به صورت بزنند ولی بازیگران که نمی‌توانند با ماسک اجرا کنند پس طبیعتاً شرایط مناسب برای اجرا فراهم نیست اما من همچنان خوش‌بینم و امیدوارم که راه کارهایی برای اجرای نمایش اندیشیده شود.

رحمانیان با اشاره به اهمیت سلامت بازیگران و عوامل نمایش بیان کرد: مهمترین مساله سلامت گروه و بازیگران است که با دستورالعمل‌های جدیدی که اعلام شده عملاً نمی‌شود کار را اجرا کرد. از طرف دیگر باید حمایت مالی از گروه‌هایی که ۴ ماه است درگیر این مساله هستند، صورت می‌گرفت که نبود. گروه‌های نمایش «روزهای رادیو» از دوم اسفند کارش را تعطیل کرد و بیش از ۴ ماه است که درگیر این بحران است. در طول این مدت بازیگران را آماده‌باش نگه داشتیم تا ببینیم در نهایت قرار است چه اتفاقی بیفتد.

کارگردان نمایش «عشق» درباره دیگر فعالیت‌هایش بیان کرد: این روزها برای من زمان مناسبی برای نوشتن است، نگارش نمایشنامه «عشق روزهای کرونا» به پایان رسیده است. این اثر نمایشی، نمایشنامه‌ای اپیزودیک است که شامل ۷ قطعه می‌شود که همگی در ارتباط نماتیک با یکدیگر قرار دارند و شخصیت‌ها از قطعه‌ای به قطعه دیگر حرکت می‌کنند. فرمی که برای نگارش نمایشنامه انتخاب کردم شباهت‌هایی با فرم نمایشنامه «چرخ و فلک» آرتور شنیستلر دارد. این نمایشنامه با ۱۰ بازیگر قابل اجراست و هر بخش به شکلی نوشته شده است که با ۱۰ بازیگر قابلیت اجرا داشته و امکان روی صحنه رفتن در همین روزگاری را داشته باشد.

وی متذکر شد، همچنین نمایشنامه‌ای با عنوان «یک تک گویی برای یرما» را هم در این دوران نوشته‌ام که روزهای آخر نگارشش را سپری می‌کند، این متن براساس ترجمه احمد شاملو از نمایشنامه «یرما» لورکا شکل گرفته و یک مونولوگ برای یرما است که امیدوارم کار خوبی از کار دربیاید. همچنین دو سه نمایشنامه دیگر نیز از قبل در دست نگارش داشتم‌ام که در حال تمام کردنشان هستم.

کارگردان نمایش «مانیفست چو» درباره برگزاری کارگاه‌های آموزشی «کروناخوانی» یادآور شد: دومین دوره کارگاه‌های «کروناخوانی» از چند روز آینده آغاز خواهد شد. در دوره دوم این کارگاه چند نمایشنامه، ترانه، داستان کوتاه، فیلمنامه و خاطره تولید شد چون این کلاس‌ها که به صورت مجازی برگزار می‌شوند، کارگاه نوشتن هستند و هنرجویان همه شکل‌های نوشتن را بر اساس علاقه خودشان تجربه می‌کنند. در دوره دوم هم قرار است همین اتفاق رخ دهد و هنرجویان جدید روی مساله کرونا از روزهای مختلف کار می‌کنند.

وی در پایان صحبت‌هایش عنوان کرد: تنوع دیدگاه‌های هنرجویان در این کارگاه برای من بسیار جالب بود و قصد دارم آنها را به چاپ هم برسانم. در این دوره از دیدگاه یک پزشک و کارمند درد کار گرفته تا دیدگاه شخصی که معولیت دارد با مساله کرونا روبرو شدیم و هر کدام از زاویه دید خودشان با این بیماری روبرو شده بودند که بسیار جالب بود. این کارگاه‌ها با ظرفیت محدود برگزار می‌شود چون من باید فرصت مطالعه و تصحیح متون بچه‌ها را داشته باشم. امثال من همه این فعالیت‌ها را انجام می‌دهند تا تئاتر یادشان نرود بنابراین امیدوارم شرایطی فراهم شود تا بتوانیم تئاتر را حفظ کنیم.

استقبال از خروج «سینماداران» از خانه سینما

پیام این تصمیم روشن است

جامعه صنفی تهیه‌کنندگان سینمایی ایران در واکنش به خروج انجمن سینماداران از خانه سینما، بیانیه‌ای را صادر کرد.

در متن این بیانیه که برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفته،

آمده است:

«به نام خدا

خروج انجمن سینماداران از خانه سینما، در یک کلام محصول تدبیری است برآمده از هوشمندی، آینده‌نگری صنفی و حرکتی صحیح در مسیر منافع عمومی سینمای ایران که در صورت تحلیل واقع‌بینانه می‌تواند آغازگر تحولی عمیق در خانه سینما شود.

خانه سینما به‌عنوان موسسه‌ای غیردولتی متشکل از دست‌اندرکاران سینما تشکیل شد و بعدها با ادعای جامعیت اصناف سینمای ایران بنایی نهاد تا تمامی صنوف صنفی صنفی خود را وامدار و برگرفته از خانه سینما بدانند. در این ساختار معیوب صنوف بدون استقلال صنفی و حقوقی، تابع ضوابط تشکیلاتی و مجری سیاست‌های راهبردی خانه قرار گرفتند، تا جایی که در این دایره بسته حتی فاقد هرگونه استقلال مالی و حقوق مالکانه نسبت به اموال خود بودند. این تصمیمات پُر از ایراد و ابهام، ساختار نوپای خانه را چنان متزلزل نمود که در سال‌های بعد زمینه ساز چالش و منازعاتی شد که خانه سینما همچنان با عوارض آن دست به گریبان بوده و هست، چنانکه صنوف سینمایی را امروز با بحران جدی هویت صنفی مواجه کرده است. در این گذار متناصفانه خانه سینما بدون توجه به این مهم که صنوف بسته به نوع اشتغال آنها دارای خاستگاه، مدون و مطالعات متفاوت و حتی متعارض هستند، جمع اضدادی را پدید آورد که در ساختار صنفی هیچ کشوری در دنیا تا کنون نمونه و نظیر نداشته است. خانه سینما متناصفانه از ابتدا بر مبنای نظام‌های تک ساختی کارگری که ریشه

در تفکرات سیاسی پوسیده و مضمحل شده داشت، ایجاد شد و به همین مبنا حضور و فعالیت همه صنوف بدون هر گونه استقلال و تحت‌لای تک نگاه قیسمانه‌ای تا جایی پیش رفت که نهایتاً الزامات قانونی برای استمرار خدمات بیمه‌ای صنوف را ملزم به ثبت حقوقی مستقل، آن هم در قالب صنوف کارگری نمود، تکلیفی که متأسفانه به دلیل عدم انطباق با مابیش صنوف فرهنگی و هنری، خود زمینه پرز از اختلافات، تکروری‌های اشتقاق را برای بخش فراهم آورد تا جایی که امروز یکی از مهم‌ترین صنوف سینمایی، حیات خود را در خروج از خانه سینما می‌یابد، تصمیمی که هرچند با تاخیر ولی پیام روشنی دارد. لذا جامعه صنفی تهیه‌کنندگان سینمای ایران به عنوان نخستین نهاد صنفی مدنی سینمای ایران که از وزارتین ارشاد و کشور دارای پروانه فعالیت است، بر خود تکلیفی می‌داند این تصمیم و اقدام مدبرانه و جسورانه انجمن سینماداران ایران را ارج نهاده و آن را گامی بلند در جهت استیفا حقوق اعضا خود قلمداد کند، اقدام خردمندانه‌ای که اگر به دیگر صنوف کارفرمایی تسری یابد یک بش بهره‌مندی از برکات آن در ابتدا نصیب خانه سینما خواهد شد، خروجی که زمینه را برای حضور پربرگ سایر صنوف کارگزاری در اداره خانه مهیا ساخته و کدام عقل سلیمی است که آن را موجب تحول و شکوفایی خانه آن هم به دست صنوف کارگزاری نداند؟ چنانکه «مانه به مردم شد ارسته / زو ارج گیرد همی خواسته». با این اوصاف ضروری است خانه سینما بپذیرد که امکان کنار گذاشتن از حقوق تمامی صنوف اعم از کارفرما و کارگزار را نداشته و با کنار گذاشتن این لجاجت پنهان، برای نیل به نهادی قدرتمند و موثر، به جدا شدن صنوف کارفرمایی و حضور صنوف مستقل و با منشا شغلی مشترک نیاز دارد.

خانه سینما بپذیرد با صنوف مستقل کارگزاری، نمایندگان واقعی و آشنا به مشکلات آنها برای اداره خانه انتخاب خواهند شد، نمایندگان که دغدغه‌های فراموش شده‌ای همچون برقراری رفاه بدون تجسس و تبعیض، امنیت شغلی پایدار و عدالت در توزیع منابع را اولویت خواهند داد.

و آخر اینکه خانه سینما بپذیرد با صنوف مستقل و تحت نظارت کلان خانه در کنار دیگر صنوف خارج از خانه سینما (تهیه‌کنندگان و سینماداران) حقوق به حق همه اعضا در یک وقاق و همدلی صنفی پیگیری، استیفا و در نهایت منافع عمومی سینمای ایران تأمین و محافظت خواهد شد.

در پایان می‌بایست تاکید کنیم سینمای ایران از رهگذر سیاستگذاری‌های واقعیت‌نگر، با حذف رویکردهای حزبی در اداره صنوف و مناعت از ایجاد رانت و قبیله پروری، با حساسیت بر ورود سرمایه‌های پاک؛ با شفاف سازی در توزیع منابع و تبدیل حداکثری قوای حاکمه به ناظر و انبهای با داشتن جامعه صنفی پویا و متعالیه‌گر است که روزهای پرفرور و درخشان گذشته را مجدد تجربه خواهد کرد.

که به فضل الهی محقق خواهد شد.

نظر را به طور مطلوب انجام داد. -مباحثه‌های بسیاری با افرادی چون سعید لیلزار، سیدمصطفی هاشمی‌طبا هم به انجام دادیم که از برخی از آن‌ها در تصاویر و بخشی تنها در تحقیقات مورد استفاده قرار گرفت. وی عنوان کرد: آقای محمدمقدم مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هیچ‌گاه در طول پروژه خود از کنار نکشید و با ما در ارتباط بود. این موضوع که مدیر و تهیه‌کننده‌ای، نگرانی‌های مستندساز را برطرف کنند بسیار اهمیت دارد. ۳۴ سال است که در حوزه مستندسازی فعالیت دارم و این نخستین تجربه همکاری مستقیم من با مرکز گسترش محسوب می‌شد و می‌توان گفت تجربه بسیار خوبی بود.

مستند «خاطراتی برای تمام فصول» را می‌ساختم، هفده فیلم درباره مجروحان شیمیایی ساخته شده بود، اما از دید من نگاه فیلیمساز به سؤزه است که اهمیت دارد و خوشبختانه آن مستند موفقیت‌هایی در جشنواره‌های داخلی و خارجی به دست آورد و حتی در نشست‌ی با عنوان کشتار توسط سلاح‌های جمعی مطرح شد.

رزاق کریمی درباره اصغر قندچی توضیح داد: او آهنگری در جنوب شهر تهران بود و زندگی جذابی داشت. توانست مدرسه برود و با تلاش موفق شد کارآفرینی نمونه شود. قندچی سخت‌کوش بود و مشکلات زیادی در زندگی داشت، من برای رسیدن به سناریوی مورد نظرم‌ان تحقیقات میدانی و بازیگری‌های لازم را انجام دادیم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که علاوه بر فراز و فرودهای زندگی وی که بسیار جذاب و دراماتیک است، باید شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی آن دوران را بررسی کنیم تا براساس این روند بتوان تاریخ معاصر ایران را از بُعد صنعت معرفی کرد.

کارگردان مستند «راه ناتمام» با بیان اینکه محمدسعید وزیری به عنوان تهیه‌کننده فیلم همکاری خوبی با او داشته است، گفت: خودروهای ماک سنگین جاده‌ای تنها با مجوز اجازه حرکت دارند و تهیه‌کننده فیلم هماهنگی‌های لازم برای ورود این خودروها به جاده و جلب همکاری عوامل حرفه‌ای مورد